

# BACCALAURÉAT GÉNÉRAL

**SESSION 2017**

**PERSAN**

**Lundi 19 juin 2017**

**LANGUE VIVANTE 1**

Série **L** – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **4**

Séries **ES-S** – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **3**

**Le candidat traitera, dans la langue étrangère, l'ensemble des questions de l'épreuve pour laquelle il compose.**

*L'usage des calculatrices électroniques et du dictionnaire est interdit.*

Dès que ce sujet vous est remis, assurez-vous qu'il est complet.  
Ce sujet comporte 4 pages numérotées de 1/4 à 4/4.

## **Répartition des points**

Compréhension de l'écrit	10 points
Expression écrite	10 points

[...] با ماشین خودش مرا به مدرسه رساند و گفت زنگ را زودتر از موعد زدند و در حضور معلم‌ها و ناظم، نطق غرایی در خصایل مدیر جدید - که من باشم - کرد و بعد هم مرا گذاشت و رفت با یک مدرسه‌ی شش کلاسه‌ای «نوبنیاد» و یک ناظم و هفت تا معلم و دویست و سی و پنج تا شاگرد. دیگر حسابی مدیر مدرسه شده بودم!

- 5 [...] مدرسه دوطبقه بود و نوساز بود و در دامنه‌ی کوه تنها افتاده بود و آفتاب‌رو بود. یک فرهنگ دوست خرپول، عمارتش را وسط زمین‌های خودش ساخته بود و بیست و پنج‌ساله در اختیار فرهنگ گذاشته بود که مدرسه‌اش کنند و رفت‌وآمد بشود و جاده‌ها کوبیده بشود و این‌قدر ازین بشودها بشود، تا دل ننه باباها بسوزد و برای این‌که راه بچه‌هاشان را کوتاه کنند، بیایند همان اطراف مدرسه را بخرند و خانه بسازند و زمین یارو از متری یک عباسی بشود صد تومان.
- 10 [...] چای و بساطی در کار نبود و ربع ساعت‌های تفریح، [معلم‌ها] فقط توی دفتر جمع می‌شدند و به هم دیگر نشان می‌دادند که یک بار دیگر سالم از کلاس برشته‌اند و دو باره از نو. و این نمی‌شد. باید همه‌ی سنن را رعایت کرد. دست کردم و یک پنج تومانی روی میز گذاشتم و قرار شد قبل و منقلی تهیه کنند و خودشان چایی راه بیندازند و آن که چشمش پیچ داشت، مأمور این کار شد. بعد هم زنگ را زدند و بچه‌ها صف کشیدند و ناظم دم در پایه‌پا شد، مثل این که می‌خواست چیزی بگوید، که مدیر کل به کمکش آمد. خودش هم می‌دانست که با آن هیکل در هر جا و هر مسأله‌ای
- 15 می‌تواند دخالت کند. و حالیم کرد که بد نیست سر صف، نطقی بکنم و من بدم نیامد. ناظم قضیه را در دو سه کلمه برای بچه‌ها گفت که من رسیدم و همه دست زدند. کله‌ها ماشین شده بود و بعضی‌ها یخه‌های سفید داشتند و پای بیش‌ترشان گیوه بود. ده دوازده‌تایی از آنها لباس‌هاشان به تن‌شان زار می‌زد. ارث خرس به گفتار. پس‌رکی موقرمز که توی صف کلاس سوم ایستاده بود، دریدگی جیب کتش را می‌پوشاند و ششمی‌ها درگوش هم پیچ می‌کردند و از ته صف اولی‌ها، دو
- 20 سه نفر دماغ‌شان را با آستین کت‌شان پاک می‌کردند که من جلوشان سبز شدم. چیزی نداشتم که برای‌شان بگویم. فقط یادم است اشاره‌ای به این کردم که مدیر خیلی دلش می‌خواست یکی از شما را به جای فرزند داشته‌باشد و حالا نمی‌داند با این همه فرزند چه بکند؟! که بی‌صدا خندیدند و در میان صف‌های عقب یکی یکی زد به خنده و من یک مرتبه به صرافت افتادم
- 25 که برای سر و کله زدن با بچه‌ها باید حتی زبان خاصی داشت. و بعد هم واهمه برَم داشت که «نه بابا. کار ساده‌ای هم نیست!» قبلاً فکر کرده بودم که می‌روم و فارغ از در‌در اداره‌ی کلاس، درِ اتاق را روی خودم می‌بندم و کار خودم را می‌کنم و ناظمی یا کس دیگری هم هست که به کارها برسد، و تشکیلاتی وجود دارد که محتاج به دخالت من نباشد. اما حالا می‌دیدم به این سادگی‌ها هم نیست. اگر فردا یکی شان زد سر آن یکی را شکست، اگر یکی زیر ماشین رفت؛ اگر یکی از ایوان

30 بالا افتاد؛ چه خاکی به سرم خواهم ریخت؟... دیگر یادم نیست برای‌شان چه گفتم. همین‌قدر یادم است که وقتی صدای زنگ بلند شد و صف‌ها به طرف کلاس‌ها راه افتاد، عرق کرده بودم. تا معلّم‌ها از جا بجنبند، توی ایوان قدم زدم و بعد رفتم تو.

مدیر مدرسه (۱۳۳۷)

جلال آل احمد

## TRAVAIL À FAIRE PAR LE CANDIDAT

### I. COMPRÉHENSION DE L'ÉCRIT : (10 points)

با توجه به متن، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- مدیر مدرسه کیست، راوی داستان یا شخص دیگری؟ از کجا می‌فهمیم؟
- ۲- به نظر راوی هدف واقعی آن شخص پولدار، که ساختمان مدرسه را در اختیار وزارت گذاشته، چه بوده است؟
- ۳- آیا شاگردان این مدرسه از سطح مرفّه (پولدار) جامعه هستند یا خیر؟ از روی کدام بخش از متن می‌توان به این پرسش پاسخ داد؟
- ۴- به نظر مدیر، آیا مدیریت یک مدرسه کار آسانی است؟ آیا قبل از مدیر شدن نیز همین فکر را می‌کرده‌است؟
- ۵- با توجه به متن، معنی «به صرافت افتادن» را حدس زده و برای آن یک هم‌معنی (مترادف) بنویسید.

### II. EXPRESSION ÉCRITE : (10 points)

**Afin de respecter l'anonymat de votre copie, vous ne devez pas signer votre composition, citer votre nom, celui d'un camarade ou celui de votre établissement.**

**Traitez la question en 250 mots environ.**

در چند سطر اهمیت شغل آموزگاران در جامعه را توضیح داده و بنویسید که این شغل چه دشواری‌هایی می‌تواند داشته باشد. (در حدود ۴۰۰ واژه)